

فاجعه کتاب‌سازی!

نقدی بر فرهنگ دانشگاهی یادواره

ابوالفضل زرینخی

● فرهنگ دانشگاهی یادواره (فارسی - انگلیسی)

تألیف محمد ساعتچی

زیر نظر دکتر لطف‌الله یارمحمدی*، دکتر محمد حسن تحریریان و دکتر مینو وزرگر

تهران: انتشارات فرهنگستان یادواره، ۱۳۷۹

ج ۳، ۲۲۲۹ ص، ۱۸۵۰۰ تومان

کتاب نیز نوعی کالا محسوب می‌شود، اما کالایی فرهنگی. هر کتاب هم مانند کالا برای گروه خاصی تهیه می‌شود. اصولاً اساسی‌ترین رکن صنعت نشر مخاطب است. مخاطب فرهنگ یادواره، به ادعای پدیدآورندگان آن، جامعه دانشگاهی، آن هم در حوزه‌های علمی و فنی است. آنچه در این مقاله بیشتر مورد نظر است بررسی صحت و سقم این ادعا است و پرداختن به این دو سؤال که: آیا اصولاً این فرهنگ فرهنگی دانشگاهی است؟ و آیا نیازهای افراد در رشته‌های علمی و فنی را برآورده می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا دو ایراد عمده را مطرح و سپس شواهدی از این فرهنگ نقل می‌کنیم.

اولاً، به رغم اینکه تاریخ چاپ اول فرهنگ یادواره پاییز ۱۳۷۹ درج شده است باید یادآور شویم،

*- توضیح دکتر یارمحمدی درباره فرهنگ یادواره:

همکار ارجمند جناب آقای دکتر خزاعی فر. با سلام،

در باب فرهنگ سه جلدی انگلیسی - فارسی یادواره استفسار فرمودید به طور خلاصه به شرح زیر به اطلاع جنابعالی و همکاران می‌رساند که: ده سال قبل یا بیشتر یکی از همکاران سرکار خانم دکتر مینو وزرگر تلفن کردند و خواهش کردند من مقدمه‌ای بر فرهنگی بنویسم. من گفتم بر فرهنگی که ندیده‌ام چگونه مقدمه بنویسم. اصرار کردند که پس مطلبی بنویسید که بگوید فرهنگ خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. این کار را کردم.

بعد از مدتی یکی از دوستان تلفن کرد که مبارک باشد فرهنگی را که به چاپ رسانده‌اید. تعجب کردم و انکار کردم. بعد که تهران رفتم دیدم یک فرهنگ سه جلدی و یکی یک جلدی و دو فرهنگ جیبی چاپ کرده‌اند. اولاً: مقدمه من را تغییر داده‌اند، ثانیاً در روی جلد هم اسم مرا به عنوان ناظر بر تهیه فرهنگ ذکر کرده‌اند. در فرهنگ تورقی کردم و دیدم فرهنگی است بسیار در سطح نازل و با اغلاط زیاد. اینجانب این فرهنگ‌ها را قبل از چاپ به هیچ وجه ندیده بودم و هیچ نظارتی هم نداشته‌ام و مقدمه به نام من نیز مقدمه‌ای نیست که من نوشته بودم. البته بنده در آن موقع شکایتی به وزارت ارشاد فرستادم و ناشر پس از اطلاع به شیراز آمد و بعد از واسطه‌هایی من از شکایت صرف نظر کردم. قرار شد نسخه‌هایی که توزیع نشده دیگر توزیع نشود. اکنون می‌فرمایید در ۱۳۷۹ تجدید چاپ شده و نقدی هم بر آن نوشته‌اند.

از درج این نقد در مجله محترم مترجم استقبال می‌کنم و حق خود را برای شکایت به مقامات مسؤول محفوظ می‌دارم.

با تشکر فراوان

لطف‌الله یارمحمدی

فرهنگ ایشان در واقع همان فرهنگ فارسی-انگلیسی نوین است که در دی ماه ۱۳۷۰ و با مقدمه دکتر مینو ورزگر منتشر شد، تنها با این تفاوت که این بار ناشر نام، ظاهر و تاریخ چاپ آن را تغییر داده و دو مقدمه دیگر از دکتر یار محمدی و دکتر تحریریان به آن افزوده‌اند. جالب اینکه تاریخی که در پایان مقدمه مؤلف در فرهنگ یادواره آمده دی ماه ۱۳۷۰ است؛ به عبارت دیگر مؤلف مقدمه خود را در ۱۳۷۰ نوشته و فرهنگ را در ۱۳۷۹ منتشر کرده است! همان غلطهای چاپی فرهنگ نوین در فرهنگ یادواره نیز تکرار شده‌اند: اتومیل راندن (ص ۳۰)، taking refge (ص ۸۳)، transfever (ص ۹۵)، implements (ص ۱۷)، این بسته پستی راه به امانت نگاهدارید (ص ۸۸).

ثانیاً، اگر فرهنگ یادواره فرهنگی دانشگاهی است و برای استفاده دانشجویان و متخصصان رشته‌های علمی و فنی نوشته شده، منطقاً باید واژه‌های تخصصی و اصطلاحات علمی را در برگیرد و کاربران نیز طبعاً به دنبال این هستند تا در این فرهنگ معادلهای انگلیسی واژه‌های رشته خود را بیابند. اما متأسفانه بخشی از واژه‌هایی که در فرهنگ یادواره گردآوری و برای آنها معادل انگلیسی ارائه کرده‌اند (درستی معادل‌ها خود بحث دیگری است) از این قبیل‌اند: شوربا، خاله قزی، خاله سوسکه، خاله بی بی (نوعی آش)، اشگنه، خاکینه، کله پاچه، کاجی، گرگم به هوا، گوشت کوب، سوهان ناخن، گاگا (قافا)، سنگ پازدن.

آیا دانشگاهیان باید مبلغ گزافی بابت این فرهنگ بپردازند تا مثلاً معادل انگلیسی واژه "گوشتابه" را پیدا کنند؟ آیا نیاز امروز جامعه علمی ما یافتن معادل انگلیسی (لاک ناخن) است؟ آیا دغدغه دانشگاهیان ما در نوشته‌های علمی خود به زبان انگلیسی یافتن معادل برای (کله پز) است؟ این کتاب‌سازی‌ها اهانت به قشری است که وظیفه اندیشه‌سازی و پژوهشهای علمی را در جامعه بر دوش دارد و سودآور است برای کسانی که همواره داعیه علم‌دوستی دارند اما در واقع در صدد هستند تا از این نم‌د کلاهی برای خود تهیه کنند! جای تعجب است که چگونه وزارت ارشاد مجوز انتشار کتابی را به‌عنوان چاپ اول صادر کرده که قبلاً با نام دیگری چاپ شده است.

اگر از نوشته‌های روی جلد فرهنگ یادواره شروع کنیم به این عبارت بر می‌خوریم: "کاملترین فرهنگ دانشگاهی علمی و فنی در زبان انگلیسی". اولاً، لفظ "کاملترین" برای فرهنگ لفظی کاملاً غیر حرفه‌ای و غیر فنی است. امروزه برای رشته‌های مختلف فرهنگهای تخصصی جداگانه نوشته می‌شود و اینگونه نیست که یک فرهنگ بتواند جامع همه علوم باشد. ثانیاً، چرا "در زبان انگلیسی؟" فرهنگ یادواره فرهنگی فارسی به انگلیسی است و مبنای آن واژه‌های فارسی است که قرار است برای آنها معادل انگلیسی ارائه شود. و اگر بنا باشد کاملترین فرهنگ علمی و فنی باشد، در زبان فارسی کاملترین فرهنگ است نه در زبان انگلیسی! در فرهنگ نوین درباره تعداد واژه‌ها آمده است: "شامل متجاوز از یکصد و پنجاه هزار لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال و معانی فارسی و انگلیسی آنها" و روی جلد فرهنگ یادواره که کپی همان فرهنگ است نوشته شده است "شامل متجاوز از سیصد هزار

لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال انگلیسی". در فرهنگ نوین که واژه‌های فارسی و انگلیسی را با هم منظور کرده‌اند تعداد مدخلها یکصد و پنجاه هزار است اما در فرهنگ یادواره که فقط واژه‌های انگلیسی را در نظر گرفته‌اند تعداد یکباره به سیصد هزار رسیده است! و باز بر پشت جلد فرهنگ یادواره تعداد مدخل‌ها، یعنی واژه‌های فارسی، بیش از سیصد هزار عنوان شده است. همه چیز با هم در تناقض است. در فرهنگ‌نویسی از چنین مواردی به عنوان جرائم فرهنگ‌نویسی (dictionary criminality) یاد می‌کنند.

در سخن ناشر می‌خوانیم که فرهنگهای انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی یادواره "خزانه فرهنگ در محدوده زبان فارسی و انگلیسی است". به نظر نمی‌رسد برای رد این ادعا نیاز به استدلال باشد زیرا آنچه تاکنون بیان شد گواه بر نادرستی این ادعا است که هیچگاه چنین فرهنگهایی نمی‌توانند حتی در "محدوده زبان فارسی" هم منبع واژگانی مناسبی باشند چه رسد به دو زبان فارسی و انگلیسی. ناشر در ادامه می‌نویسد: "... اساتید دانشگاهها نیز به صحت موجودیت نسبی آن صحنه گذاشتند". منظور از "صحت موجودیت نسبی" دیگر چیست؟ نکته دیگر آنکه "ما با مساعدت ورزیده‌ترین چهره‌ها در این حیطة و میدان، در گسترش کیفی و کمی لغات، خواسته و توانسته‌ایم زمینه‌ای مساعدتر و فراگیرتر به وجود آوریم". مگر می‌توان کیفیت واژه‌ها را گسترش داد یا کیفیت بهتری به آنها بخشید؟ آیا اصولاً واژه‌ها قابلیت این را دارند که کیفیت آنها را افزایش یا کاهش دهیم؟ و نکته آخر اینکه "و این ادعای ناشر، که مبین نگاه و قضاوت داوران سخت‌گیر و متخصصین و اساتید نکته‌سنج است". در واقع ناشر می‌خواهد قضاوت این اساتید درباره فرهنگ یادواره را به عنوان گواه ادعای خود مطرح کند، اما عکس آن را گفته است که بی‌معنی است، زیرا ادعای ناشر که نمی‌تواند مبین قضاوت آنها باشد. پس باید می‌گفت: "نگاه و قضاوت داوران سخت‌گیر و متخصصین و اساتید نکته‌سنج مبین ادعای ناشر است".

در بیست صفحه اول فرهنگ یادواره تعداد مدخل‌ها و زیرمدخل‌ها، اعم از اصطلاح و ضرب‌المثل و ترکیبات و خلاصه هر آنچه بود بررسی شد و به زحمت تعداد معدودی واژه علمی یا فنی یافت شد: آبچلیک (جانور)، آب‌شناس، آب‌شناسی، آچار دوسر، آچار فرانسه، آکاژو (گیاه)، آمله (گیاه)، آمیزش‌شناسی، آنتیل (جغرافی). بسیاری از واژه‌های مدخل در این فرهنگ نه در فرهنگ فارسی امروز ضبط شده‌اند و نه در فرهنگ فارسی معین؛ از جمله، اختزال، اپرخیده، استحياء، فقيره، فوح، فواد، فنجیدن، فنادق، قولق. برای اجتناب از اطاله کلام از آوردن نمونه‌های دیگر پرهیز می‌کنیم که خوانندگان محترم از این مجمل خود حدیث مفصل را خواهند خواند و به عمق فاجعه پی خواهند برد.

در بسیاری موارد بین مدخل و زیرمدخل‌های آن هیچ ارتباطی وجود ندارد؛ مثلاً، فعل "انداختن" مدخل است و یکی از معادل‌های انگلیسی آن to throw است و زیرمدخل‌های آن از این قرارند: "حواسم را پرت کرد" و "اعتصاب کردند". طبیعی است که کسی برای یافتن معادل انگلیسی "اعتصاب

کردن "به سراغ مدخل و زیر مدخل های فعل "انداختن" نمی‌رود. بلکه زیر مدخل "انداختن" باید ترکیبات و اصطلاحات این فعل را در بر گیرد. این عدم ارتباط به این دلیل است که مؤلف فعل انگلیسی to throw را مبنا قرار داده و ترکیبات و اصطلاحاتی را که این فعل در آنها به کار رفته زیر مدخل "انداختن" آورده است. غافل از اینکه این فرهنگ فارسی به انگلیسی است و باید زیر مدخل‌ها را به تناسب واژه فارسی مدخل آورد. نمونه دیگر، مدخل "انقراض" است که یکی از معادل‌های آن to fall است که زیر مدخل "در میدان نبرد شربت شهادت را نوشیدن" و معادل انگلیسی to fall in battle را به دنبال آن آورده است.

ظاهراً هدف از آوردن این همه واژه‌های عجیب و غریب و تکرار آنها به شکل‌های مختلف، افزایش حجم فرهنگ بوده است. اسامی خاص: مجتبی، احمد، احمدی، سنجر، خدیجه، صورت جمع واژه‌ها: غراضیف (غضروفها) و غضروف و غضروف هر سه مدخل هستند و یک معادل انگلیسی در هر سه تکرار شده است. در مورد سواعده و ساعد نیز چنین است. فساط (خیمه، خرگاه، سراپرده) مدخل است و مترادف‌های آن نیز هر سه مدخل هستند با همان معادل‌های انگلیسی. خربوزه (شب‌پره، خفاش) نیز چنین است.

همانگونه که قبلاً نیز بیان شد این فرهنگ فارسی به انگلیسی است و مبنای آن واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات فارسی است که بنا است برای آنها معادل انگلیسی آورده شود، اما می‌بینیم که در واقع مؤلف جملات انگلیسی را مبنا قرار داده و آنها را به فارسی ترجمه کرده است. آن هم چه ترجمه‌هایی!

Why did you allow the opportunity to escape?

فرصت را چرا فوت کردید (زیر مدخل فوت)

Coffee does not nourish the body? (زیر مدخل قهوه)

Upon hearing the news, he fell into a deep thought.

از شنیدن این خبر متفکر شد (زیر مدخل متفکر)

I am absent-minded.

حواسم متفرق است (زیر مدخل متفرق)

واژه balncology را به حمام‌شناسی ترجمه کرده است، در صورتی که معنی این واژه، علمی است که به بررسی تأثیرات درمانی حمام و حمام کردن می‌پردازد.

فرهنگ‌نویسی کاری است بسیار دقیق و ظریف که سرمایه مادی و معنوی زیادی می‌طلبد. ناشری با سرمایه لازم برای یک سرمایه‌گذاری بلندمدت تا کار فرهنگ به سرانجام رسد و مؤلفینی که با ظرایف زبانی و اصول و مبانی فرهنگ‌نگاری آشنا باشند. فرهنگ، دفتر لغت معنی نیست که واژه‌هایی را گرد آورند و معادل‌های فارسی یا انگلیسی آنها را در مقابلشان بنویسند. باید مشخص باشد که فرهنگ برای چه کسانی و به چه منظوری (عمومی یا تخصصی) نوشته می‌شود. نحوه جمع‌آوری مدخل‌ها باید بر پایه روش مشخصی باشد. ارائه معادل‌ها و طبقه‌بندی آنها و تعیین حوزه‌های معنایی نیز از مسائل

چالش برانگیز در فرهنگ‌نویسی است. مؤلف باید در مقدمه‌ای شیوه‌کار خود و نحوه استفاده از فرهنگ را برای کاربران تشریح کند. مواردی که به آنها اشاره شد همه حاکی از آن است که فرهنگ فارسی-انگلیسی یادواره فاقد ارزش علمی است و نه تنها گرهی از مشکلات استفاده کنندگان احتمالی باز نخواهد کرد، بلکه باعث سردرگمی آنان نیز خواهد شد. امیدواریم مؤلف و ناشر محترم با تأمل و تدبیر بیشتر، فرهنگی در شأن جامعه دانشگاهی و مورد نیاز آنها به بازار کتاب عرضه کنند.

سروده‌های آتش و خون از سرزمین شیران دربند، فلسطین سرفراز

مترجم: عباس امام

این است راه من.
این است رسم من.
جز رزم راهی نداریم.
هموطن، باید رزم آوری کرد.
و باید آتش پر حجم را بر دشمن فروبارید.
آن زمان،
تیغ بران از زخمهای من سیراب خواهد شد.
و دهانه توپ از چشم من شراره خواهد فشاند.
و ای وطن زخم خورده،
آن زمان،
تیغ را بر گردن دژخیم تیز خواهیم نمود.
و از چشمهای خلقم آتش خواهد جست.
این است راه من.
این است رسم من.
وطنم!
از قطره قطره خونم تار و پود پرچم تو ساخته خواهد شد.
و سوگند که با شمشیر بران و زخم دیده خویش
خواهیم جنگید، خواهیم جنگید
خلق من! خواهیم جنگید
و آتش پر حجم خود را بر دشمن فرو خواهیم بارید.

شاعر: گمنام

هذا هو دربی
هذا هو دربی
لنقاتل
لنقاتل یا شعبی
و لنطلق کل النار
من جرحی فلیسق سیف بتار
من عینی فلتشهب فوهه مدفع
و لتشخذ یا جرح الشعب
السکین علی عنق الجزار
و لتطلق اعین شعبی النار
هذا هو دربی
هذا هو دربی
قطرات دمی خیط للرایة یا وطنی
و بسیف الجرح البتار
لنقاتل، لنقاتل، لنقاتل یا شعبی
و لنطلق کل النار